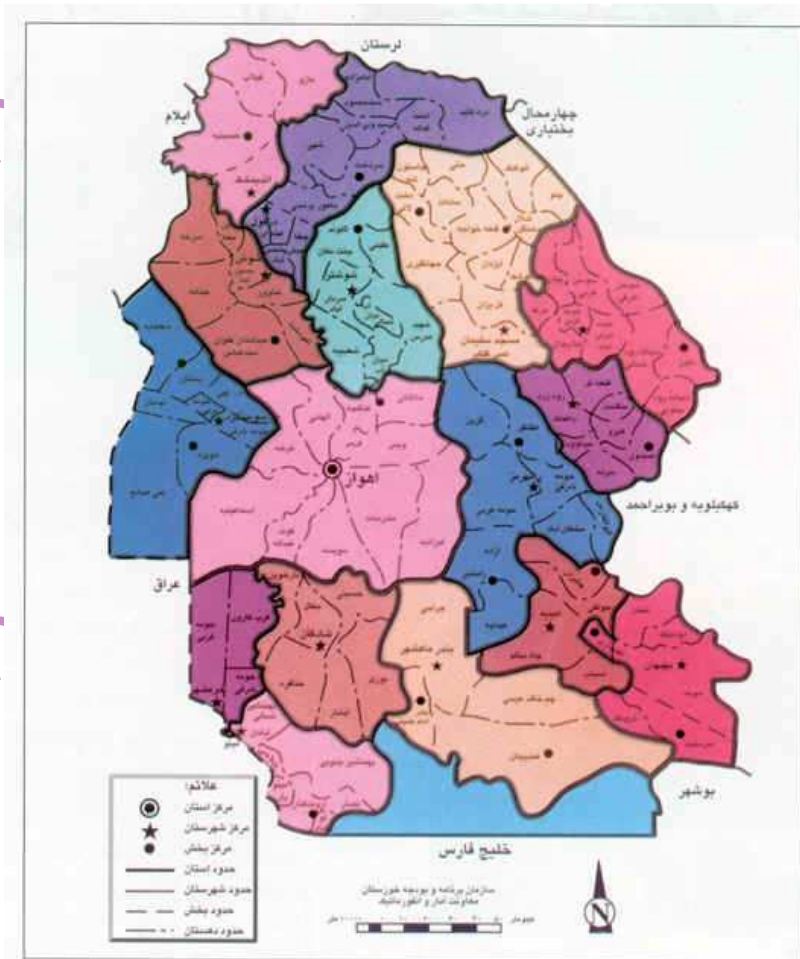


www.kandooocn.com

استان خوزستان

با مساحتی حدود ۶۴۲۳۶ کیلومتر مربع ، بین چهل و هفت درجه و چهل یک دقیقه تا پنجاه درجه و سی و نه دقیقه طول شرقی از نصف النهار گرینویچ و بیست و نه درجه و پنجاه و هشت دقیقه تا سیوسه درجه و چهار دقیقه عرض شمالی از خط استوا ، در جنوب غربی ایران واقع شده است.



این استان از شمال غربی با استان ایلام، از شمال با استان لرستان، از شمال شرقی و شرق با استانهای چهارمحال و بختیاری و کهگیلویه و بویراحمد؛ از جنوب با خلیج فارس و از غرب با کشور عراق هم مرز است. بر اساس تقسیمات کشوری سال ۱۳۵۷، این استان دارای پانزده شهرستان، سیو پنج بخش، سیزده دهستان و ۴۴۹۶ آبادی دارای سکنه میباشد. مرکز استان خوزستان شهر اهواز و سایر شهرستانهای آن عبارتند از: آبادان، اندیمشک، اهواز، ایذه،

www.kandooocn.com

www.kandooocn.com

www.kandooocn.com

www.kandooocn.com

باغملک ، بندرماهشهر، بهبهان، خرمشهر، دزفول، دشت آزادگان، رامهرمز، شادگان، شوش، شوشتر و مسجد سلیمان .

شمال و شرق خوزستان را سلسله جبال زاگرس فراگرفته است که ارتفاعات آن در جهت جنوب غربی کاهش میابد، به طوری که در نواحی جنوبتر به صورت تپه ماهورهایی نمایان میشود. استان خوزستان را از نظر پستی و بلندی میتوان به دو منطقه کوهستانی و جلگهای تقسیم کرد. منطقه کوهستانی در شمال و شرق استان قرار گرفته و منطقه جلگهای آن از جنوب دزفول، مسجد سلیمان، رامهرمز و بهبهان آغاز شده و تا کرانه های خلیج فارس و اروند رود ادامه میابد. استان خوزستان دارای آب و هوای مختلف است: آب و هوایی نیمه بیابانی که شهرهای آبادان ، خرمشهر ، ماهشهر ، هندیجان ، دشت آزادگان و نواحی دزفول، بهبهان، رامهرمز، شوشتر و نواحی شمال اهواز را در بر میگیرد. آب و هوای استپ گرم که نواحی شمال دزفول، بهبهان، رامهرمز، شوشتر و شمال اهواز را دربرمیگیرد. استان خوزستان تحت تأثیر سه نوع باد قرار دارد: اولین باد، جریان سرد نواحی کوهستانی و دومین باد (شرجی)، جریان گرم و رطوبتی از خلیج فارس است که به سوی جلگه میوزد. سومین باد یا باد سوم از عربستان میوزد و همیشه مقداری شن و خاک و رطوبت همراه دارد. بر اساس دادههای ایستگاههای سینوپتیک استان خوزستان در سال ۱۳۷۵، حداقل مطلق درجه حرارت منفی دو دهم درجه سانتیگراد و حداکثر مطلق درجه حرارت با چهل پنجاه درجه سانتیگراد در اهواز گزارش شده است .

جغرافیای تاریخی استان

استان خوزستان یکی از کهنترین سرزمینهای تمدن بشری است. این تمدن در شش هزار سال پیش در شوش پدید آمد، هزار سال بعد دولت مقتدر عیلام در شوش پایه گذاری شد و سه هزار سال پیش از میلاد، دولت عیلام توسط آشوریان منقرض گردید. در سال ششصد و چل قبل از میلاد شوش به دست آشوریها تسخیر و به دو بخش تقسیم شد. قسمت شمالی عینی انزان به دست پارسها افتاد و قسمت جنوبی آن به تصرف آشور درآمد. در تابستان سال پانصد

و سی و هشت قبل از میلاد کورورش هخامنشی به بابل لشکر کشید و با شکست بابل کلیه خاک علیلام جزء متصرفات هخامنشی گردید و شهر شوش به عنوان یکی از پایتختهای هخامنشی برگزیده شد. داریوش هخامنشی در حدود سال پانصدویست و یک قبل از میلاد شوش را به مرکز شاهنشاهی خود تبدیل کرد و در آن کاخ باشکوهی از سنگ بنام هدیش احداث کرد. در زمان خشایار شاه پایتختهای ایران از جمله شوش به اوج عظمت و رونق رسیدند. با حمله اسکندر دوران اوج و شکوه سلطنت خیرهکننده هخامنشیان به پایان رسید. در سال سیصد و سی و سه قبل از میلاد اسکندر بر هخامنشیان پیروز شد و شهر بابل و شوش را با ذخایر بسیار ارزشمند طلا و نقره تصرف کرد. پس از فوت اسکندر در بابل جانشین او در ایران دولت سلوکیان را تشکیل دادند. در سال صد و هشتاد و هفت قبل از میلاد در اثر ضعف دولت سلوکی پارس و خوزستان متحد شدند و از دولت سلوکی جدا شدند. مهرداد اول اشکانی (صد و چهل تا صد و شصت و چهار) نیز «دقزیوس» شاه سلوکی را در جنگی شکست داد و شخصی به نام کامناسکیر را که از خاندان اشکانی بود به حکومت خوزستان منصوب کرد. با قدرت گرفتن ساسانیان این ناحیه رو به عمران و آبادی گذاشت. شهر جندی شاپور با دانشکده بسیار معروف نیز از شهرهایی است که در این دوران از رونق و شکوفایی چشمگیری برخوردار بوده است. پس از شکست یزدگرد سوم در جنگ معروف نهاوند، ایرانیان به مرور به دین اسلام گرویدند. از سال هفده هجری قمری در عهد خلافت عمر که کشورگشایی مسلمانان به پیروزی تازهای دست یافته بود، بصره به عنوان یکی از حاکم نشینها و نایبالحکومه انتخاب شد. مهمترین و خونین ترین واقعه نخستین قرن اسلام در خوزستان قیام تودههای بدوی و روستائیان عرب و ایرانی بود که زیر لوای خوارج یا ارزقیان سر به شورش برداشتند. حجاج بن یوسف در سال هفتاد و هشت هجری قمری این قیام را با بیرحمی و سنگدلی سرکوب کرد. قیام دیگری نیز در سالهای دویست و چهل و نه هجری قمری به رهبری صاحبالزنج خوزستان را فراگرفت. در اواسط سده سوم هجری قمری دولت عباسیان رو به انحطاط گذاشت و زمینه رشد قیام ایرانیان فراهم شد. یعقوب لیث از سیستان علم استقلال برافراشت و در شوال سال ۲۶۱ هجری قمری فارس را تسخیر و به سرعت حمله به

بغداد را (مقر خلافت عباسیان) آغاز کرد، ولی بلافاصله به شوش و شوشتر عقبنشینی کرد. در سال ۲۸۸ هجری قمری عمر و لیث جانشین یعقوب در خوزستان به قتل رسید. در سال ۳۲۶ هجری قمری معزالدوله دیلمی، کرمان و خوزستان را تصرف کرد. با روی کار آمدن سلجوقیان ابوکالیجاد دیلمی به حکومت خوزستان منصوب شد و در سال ۴۳۴ هجری و قمری با همین سمت درگذشت. از این سال تا سال ۸۴۵ هجری قمری به ترتیب خوارزمشاهیان، خاندان شلمه افشار، اتابکان فارس، آل مظفری، آل جلایر، تیموریان بر تمام یا قسمتی از خوزستان حکم راندند. در سال ۸۴۵ جنبش مذهبی دیگری به عنوان مشعشعیان در این نواحی شکل گرفت. رهبر این جنبش سیدمحمد مشعشع ادعای مهدویت داشت و از این زمان خوزستان به دو ناحیه عربنشین و غیرعربنشین تقسیم شد. در سال ۸۷۲ هجری قمری سلسله ایلخانان به دست آققویونلوها منقرض شد و سیدمحسن فرزند سیدمحمد مشعشع از اوضاع آشفته ناشی از آن استفاده کرد و بر سراسر خوزستان مسلط شد. پادشاهان صفوی چندین بار برای سرکوب مشعشعیان و افشار به خوزستان لشکر کشیدند هر بار پس از سرکوب آنها مشعشعیان را بر حکومت نواحی تحت تسلط آنها ابقا کردند. با انقراض صفویان به دست محمود افغان خوزستان همچنان به تهماسب میرزا جانشین پادشاه شکست خورده صفوی وابسته باقی ماند و محمود افغان برای دست یافتن به این ناحیه در سال ۱۱۳۶ هجری قمری لشگری به این ناحیه گسیل داشت ولی نتیجهای نگرفت. نادر شاه، افغانها را از اصفهان بیرون راند و در بهار سال هزار و صد و چهل و دو هجری قمری از راه فارس و کهگیلویه روانه خوزستان شد.

پس از قتل نادر، خاندان مشعشعی بار دیگر به ریاست موسی مطلب هویزه را به تصرف درآوردند. مشعشعیان پس از استقرار در هویزه به سوی شوشتر، دزفول و شوش روی آوردند و با طایفه آلکثیر جنگیدند و نواحی مزبور را تصرف کردند. در همین دوران کریمخان زند پس از ده سال کشمکش و جدال قدرت را به دست گرفت. پس از درگذشت کریمخان زند بار دیگر خوزستان دچار هرج و مرج شد. در زمان فتحعلی شاه قاجار خوزستان به دو بخش تقسیم شد. بخش شمالی، شامل شوشتر، دزفول، هویزه جزء کرمانشاهان، به محمدعلی میرزای

دولت شاه سپرده شد و بخش جنوبی آن شامل رامهرمز، فلاحیه و هندیجان جزء فارس به حسینعلی میرزا پسر دیگر فتحعلی شاه واگذار شد. دولت شاه شاهزاده مقتدر قاجاری دوباره برای سرکوب مخالفین به خوزستان لشکر کشید. در زمان همین شاهزاده بند معروف میزان در شوشتر بازسازی شد و آب به شاخه شطیط و نهرداران جریان یافت. در سال هزار و دویست و شصت و هفت هجری قمری قوای انگلیس از طریق خرمشهر وارد خوزستان شد و تا اهواز پیش آمد و به آتش هر دست یافت. پس از سال هزار و دویست و هفتاد سه هجری قمری که جنگ انگلیس با ایران روی داد تا پایان حکومت ناصرالدینشاه که چهل سال طول کشید در خوزستان جنگی روی نداد. در این زمان عشایر عرب به چند بخش تقسیم شده و هر بخش شیخی جداگانه داشت که حاج جبار خان نامآورتر از دیگران بود و پس از جنگ انگلیس فداکاریهایی از خود نشان داده بود، توسط ناصرالدین شاه به رتبه سرتیپ اولی ارتقاء یافت. پس از او پسرش شیخ خزعل جانشین پدر شد و با کشتن برادر زمام امور را به دست گرفت. این مرد که با حمایت انگلیس سراسر استان خوزستان را به چنگ آورده بود. انگلیسها عثمانیها را از خوزستان بیرون کردند و رشته اختیار سراسر خوزستان را به دست گرفتند. در خرمشهر، اهواز و شوش سپاه مستقر ساختند و در هر یک از شهرهای شوشتر و دزفول اداره سیاسی یا کنسولگری و عدلیه دایر کردند و در همه جا ادارههای پست و تلگراف را به دست گرفته و سرپرستی آنها را به مأموران خود واگذار کردند. از سال ۱۳۳۲ تا ۱۳۳۹ هجری قمری این وضع پایدار بود و شیخ خزعل نیز خود را امیر خوزستان (عربستان) میخواند. در دوران رئیس الوزرای رضاشاه سپاهی از شیراز به بهبهان، سپاهی از اصفهان و سپاه سومی از بروجرد عازم سرکوب شیخ خزعل در خوزستان شد. پس از جنگی کوتاه شیخ خزعل شکست خورد و با فرستادن پیامی به رئیس الوزرا امان خواست و بدین وسیله عمر یکی دیگر از حکام محلی به سود قدرت یافتن دولت مرکزی به پایان رسید.

درباره آبادی مرکز خوزستان در کتاب «احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم» تألیف «ابو عبدالله محمد بن احمد مقدسی» جهانگردی از بیت المقدس آمده است: «شوشتر در همه این سرزمین، خوشتر، استوارتر و مهمتر از آن شهری نباشد. نهر به دور آن می چرخد نخلستان

وباغها آن را فرا گرفته اند. بافندگان ماهر پنبه و دیا در آن بسیارند از همه شهرها برتر است، اعداد را در خود جمع و در نزد جهانیان شهرت دارد. و درباره اش گفته اند آن همچون بهشتی است. باغهایش پر از ترنج و انار خوب، انگور و گلابی عالی و خرما می باشد. بهشت خوزستان است دیبای آن را به مصر و شام می برند، مردمش با خوشی عمر می گذرانند.» همچنین در سفرنامه «ابن بطوطه» جهانگرد مراکشی می خوانیم: «سر انجام به شهر تستر (شوشتر) رسیدم که در قلمرو اتابک و سر حد بین دشت و کوهستان است. شهری بزرگ، زیبا، خرم و دارای پالیزهای نیکو و باغهای عالی است این شهر محاسن زیاد و بازارهای معتبر دارد و از شهرهای قدیمی است. در دو طرف رودخانه باغ قرار دارد و محاذی دروازه دسبول مانده بغداد و حله جبری از کشتیهای کوچک درست کرده اند، میوه در تستر فراوان است، خیرات و برکات این شهر بسیار و بازارهای آن در خوبی بی مانند می باشد.» وجود مراکز علمی و فرهنگی همچون دانشگاه جندی شاپور در این استان دال بر اهمیت و رونق این خطه ارزشمند می باشد که استادان بزرگ دانش پزشکی را از یونان، مصر، هند و روم گرد هم آورده بوده است. این دانشگاه را نسطوریان مسیحی عراقی به نام خانواده بختیشوع ایجاد کردند. پزشکان برجسته و ناماوری که به مداوای بیماران و تدریس دانشجویان رشته پزشکی در این دانشگاه مشغول بوده اند. این دانشگاه طب که به دستور شاپور اول (۲۴۱-۲۷۱ م) بنیان نهاده شد. توسط شاپور دوم (ذوالاکتاف) مرمت و بازسازی گشت و در زمان انوشیروان تکمیل و توسعه یافت. علما، دانشمندان و شاعران بزرگی همچون: ابونواس حسن بن هانی اهوازی، که از ارکان شعر عرب است، عبدالله بن میمون اهوازی، نوبخت اهوازی منجم و فرزندانش، جورجیس پسر بختیشوع گندیشاپوری و شاعران عرب زبان شیعی، مانند ابن سکیت و دعبل خزائی که با اشعار خود ولایت و امامت را پاس داشته اند و زبان به مقاومت گشوده اند از همین منطقه برخاسته و در این دیار زندگی می کرده اند

صنایع دستی شهری :

اگر چه صنایع دستی شهری امروزه رونق گذشته را ندارند معهذاً هنوز صنعتگرانی هستند که به امر تولید ابزار و لوازم دست ساز اشتغال دارند. اموری همچون: بافت انواع پارچه، گلیم، قالی، تهیه گیوه، خراطی، میناکاری و ساخت وسایل فلزی و قلمزنی از جمله این صنایع

است. مجموعه صنایع دستی عشایری، روستایی و شهری استان خوزستان بر حسب نوع مواد اولیه که در تولید به کار می رود به چند گروه تقسیم می شود:

- بافته هایی که برای تولید آنها از دار استفاده می شود، شامل قالی و گلیم. این بافته ها که به بافته های داری موسوم هستند در شهر های مسجد سلیمان، هفتگل، دزفول و مناطق روستایی و عشایری تولید می شوند.

- بافندگی شامل: احرامی، عبا، سیاه چادر، چوقا، پشتی، خورجین (هورژین) که در مناطق عشایری، روستایی و شهری مانند: شوشتر، دزفول، بهبهان، سوسنگرد، و... انجام می گیرد.

محصولات پوستی که عشایر و روستائیان مناطق مختلف استان خوزستان تولید کننده آن هستند:

- نمدمالی که در میان روستائیان و به مقداری اندک در میان عشایر تولید می شود. در شهرهای بهبهان و دزفول نیز تولید می شود.

- صنایع دستی حصیری و چوبی شامل: حصیر بافی، سبد بافی و همچنین خراطی در دزفول، آبادان و ...

- فلزکاری و میناسازی شامل: قلمزنی فلزات، قفل سازی و زیور آلات در شهر های اهواز، سوسنگرد و هویزه.

بافته های داری:

همانطور که گفته شد بافته هایی است که از دار برای تولید آنها استفاده می شود که دارها یا

عمودی و یا افقی است. بعضی از این بافته ها گره دار هستند مانند قالی و گبه و برخی مانند گلیم و زیلو پود باف بوده و بعضی مانند ورنی و شیرکی پیچ بودپیچ هستند .

در استان خوزستان بافته های داری به شیوه گره زنی یا پود گذاری بافته می شود و شامل قالی، قالیچه و گلیم است و بافندگان اصلی آنها زنان ایلی و روستایی هستند که بر روی دار افقی که بر روی زمین قرار می گیرد کار بافتن را انجام می دهند. نقشه ها اکثراً ذهنی و طرح ها هندسی است و رنگهای قرمز، مشکی، سبز، نارنجی، سفید، سرمه ای در بیشتر بافته ها کاربرد دارد .

زنان و دختران عشایر عرب نیز به صورت محدود به کار بافت قالی اشتغال دارند و قالی هایی با نقش هندسی و با استفاده از رنگهای قرمز، نارنجی، صورتی، مشکی، زرد کدر، سرمه ای و سفید می بافند .

گلیم :

در استان خوزستان بافته دیگری که بیشتر به صورت دارهای افقی و بعضاً به صورت عمودی بافته می شود گلیم است. که بافندگان آن عشایر بختیاری (که در مبحث استان چهار محال و بختیاری توضیح داده شد.) و عشایر عرب هستند، گلیم هایی نیز در هفتگل بافته می شود که نقوش آنها شباهت به بافته های عشایر قشقایی فارس دارد .

از مناطق اصلی گلیم بافی در خوزستان روستای عرب نشین غزی است که گلیم های آن غالباً دارای تار پنبه ای و پود پشمی است و به رنگهای قرمز، صورتی، سبز، نارنجی، آبی، سرمه ای و سفید است . نقوش گلیم های غزی هندسی و ذهنی است و بافتی ساده دارد .

گلیم پارچه ای :

زنان عشایر بختیاری و روستائیان مناطق بختیاری نشین خوزستان در نواحی هفتگل و مسجد سلیمان با استفاده از لباسهای مندرس خود گلیم های راه راه و محکمی می بافند که برای فرش کردن کف اتاق یا سیاه چادر از آنها استفاده می کنند : ابتدا پیراهن و دامن های پرچین

از کار افتاده را بصورت نوارهای رشته رشته و باریک به پهنای یک انگشت پاره می کنند و این رشته ها را بوسیله پره می تابانند. سپس ریسمانهای بوجود آمده را بصورت گلیم می بافند .

محصول بدست آمده در صورت انتخاب رنگهای مناسب در کنار یکدیگر زیبا، محکم و مقرون به صرفه است .

پشتی :

از دیگر صنایع دستی استان خوزستان می توان از پشتی هایی نام برد که در بهبهان تولید می شوند و معمولاً دارای تار پنبه ای و پود پشمی رنگین و به ابعاد 70×110 سانتی متر است . نقش این پشتی ها مرکب از راه های پهن و باریک افقی به رنگهای : سبز، زرد، قرمز، قهوه ای، سرمه ای، سفید، نارنجی و آبی نفتی است. قسمت ابتدا و انتهای هر پشتی معمولاً سرمه ای رنگ است .

موج :

بافت موج در استان خوزستان و خصوصاً در شهر بهبهان رایج است و برای بافت آن از دستگاه های نساجی سنتی استفاده می کنند. نوعی پارچه دستباف است که اندازه های متفاوت دارد. در واقع موج همان دستبافی است که در سایر نقاط ایران به رختخواب پیچ یا چادر شب نیز معروف است. کردها نیز به آن موج می گویند و لرها آن را ماشته می نامند .

مقنعه :

پارچه ای است ساده بافت و بدون نقش و یک رنگ که مردان بعضی مناطق برای عمامه و شال کمر از آن استفاده می کنند. زنان دو یا سه قطعه آن را بهم دوخته و پارچه عریضی بدست می آورند که برای روسری و مقنعه مورد استفاده قرار می گیرد .

احرامی :

از محصولاتی است که در شوشتر بافته می شود. احرامی پارچه ای است با تار پنبه ای و پود پشمی به رنگهای سرمه ای، زرد، سبز، سفید، نارنجی، قرمز و ...

ابریشم بافی :

بافت این نوع پارچه در دزفول رایج است. در تهیه این محصول از نخ ابریشم مصنوعی (ویسکوز) استفاده می شود. به دلیل ظرافت خاصی که دارد به مصرف شله (روسری عربی) می رسد، طول این پارچه ۲۰ متر و عرض آنها ۴۰ سانتیمتر است. پس از بافت آن را به قطعات ۴ متری در آورده و برای روسری مورد استفاده قرار داده عده ای نیز قطعه ۴ متری را به دو قسمت تقسیم کرده و از وسط آنها را کنار یکدیگر قرار داده و به صورت تور دوزی بهم می دوزند. شله ای که از این طریق به دست می آید ۲ متر درازا و ۸۰ سانتی متر پهنا دارد .

عبا بافی :

بافت عبا در خوزستان سابقه ای دیرینه دارد به طوریکه می گویند پیشینه اش به بیش از پانصد سال می رسد. در گذشته عبا بافی در این استان در شهرهای دزفول، شوش، و سوسنگرد و بهبهان رواج داشته است. هم اکنون تولید آن بیشتر در شهرهای سوسنگرد و بهبهان انجام می شود .

این عباها معمولا به رنگهای خرمایی، مشکی، خاکستری و شیری است که توسط بافندگان رنگریزی می شود. دو نوع پارچه عبایی در خوزستان بافته می شود :

- 1- نوعی که برای بافتن آن از نخ های نازک استفاده می شود که به " هله " شهرت دارد و مناسب هوای گرم تابستان است .
- 2- نوعی که تراکم تار و پودش بیشتر است و " چانچه " نامیده می شود و زمستان از آن استفاده می شود .

نمد مالی :

نمد مالی از جمله صنایعی است که در استان خوزستان به دلیل حضور عشایر که مصرف کنندگان اصلی تولیدات نمدی هستند رواج دارد. دو شهر دزفول و بهبهان از مراکز مهم تولید نمد در این منطقه محسوب می شوند. تولیدات نمدی این شهر: زیر انداز، کپنک، و کلاه نمدی است.

کلاه نمدی:

برای تهیه کلاه نمدی به جای پشم از کرک به عنوان ماده اولیه استفاده می شود.

گیوه بافی و گیوه دوزی:

از جمله صنایعی که در استان خوزستان قدمت دیرینه دارد گیوه بافی و گیوه دوزی است که حدود ۲۰۰ سال در این منطقه رواج دارد. از مراکز اصلی این صنعت در خوزستان دو شهر دزفول و بهبهان را می توان نام برد.

گیوه انواع مختلف دارد:

- 1- گیوه های تخت چرمی که به چتری معروف هستند.
- 2- گیوه تخت لته ای که از پارچه های فرسوده و روده گوسفند تهیه می شود.
- 3- گیوه تخت لاستیکی

صنایع دستی چوبی:

در خوزستان از چوب و سایر فرآورده های گیاهی برای تولید انواعی از صنایع دستی استفاده می شود که مهمترین آنها به این شرح است.

خراطی:

خراطی چوب از هنرها و صنایعی است که بیشتر در دو شهر دزفول و بهبهان رواج دارد . ابزار کار خراطان بسیار ساده است، شامل اره، انواع مته، شفره، دستگاه یا چرخ خراطی و ... برای تهیه چوب نیز از درختهای توسکا و سپیدار استفاده می شود. در دزفول محصولاتی مانند پایه میز و صندلی و مبل، چوب لباسی، بدنه قلیان، زیر قلیان، میل زورخانه، پایه آباژر، گلدان، نمکدان و... ساخته می شود. در بهبهان نیز کارگاههای خراطی وجود دارد که محصولات آنها گهواره پایه مبل است که از چوب سپیدار تراشیده می شود .

حصیر بافی :

در استان خوزستان در بیشتر مناطق روستایی و عشایری به واسطه وجود درختان خرما حصیر بافی وجود دارد. از نی های باتلاقی نیز برای بافتن حصیر استفاده می کنند . این نوع حصیر در شهرها برای آویختن در جلوی پنجره مورد استفاده قرار می گیرد. عشایر نیز برای حصار پشت چادرهایشان و همچنین ساختن لانه مرغ و خروس، بره، بزغاله و ... از آن استفاده می کنند .

بوریا (حصیر زیر انداز) :

بوریا یا حصیر زیر انداز از محصولات استان خوزستان با الیاف برگ درختان خرما بافته می شود این حصیر از نی مردابی که در این منطقه به وفور یافت می شود نیز تولید می گردد. این نوع حصیر برای زیر انداز و همچنین پوشش سقف منازل کاربرد دارد. آن را روی تیرهای سقف ساختمان قرار داده و رویش را با مصالح ساختمانی می پوشانند. بوریابافی کاری است که فقط توسط مردان انجام می شود .

کیوبافی :

کیوبافی که در سالهای اخیر در استان خوزستان رونق فراوان یافته بیشتر در دهستان شهبون دزفول و روستاهای اطراف آن انجام می شود . مواد اولیه مصرفی در بافت کیو بر گهای

خشک نخل که در اصطلاح محلی " کرتک " نام دارد و ساقه های نازک گندم که " هلفه " گفته می شود تشکیل می دهد .

سبد بافی :

استان خوزستان که از مراکز مهم پرورش نخل در ایران است صنعتگران از برگ درختان خرما سبدهایی درست می کنند که مصارف مختلف دارد و به آن زنبیل می گویند همچنین عشایر بختیاری خوزستان و عده ای از روستاییان اطراف دزفول از شاخه های نازک و ترکه های درختان مختلف سبدهایی می بافند که معروفترین آنها سبدی است که " سله " نامیده می شود و برای آبکش کردن برنج از آن استفاده می شود . در اندیمشک نیز عده ای از هموطنان ترک نژاد با استفاده از ترکه های درخت بید سبدهایی با اندازه و شکل های متفاوت تولید می کنند که مصارف گوناگون دارد. عشایر و روستاییان استان خوزستان نوعی سبد که " کوروک " نامیده می شود برای جابجایی ماکیان تولید می کنند .

فلزکاری :

در استان خوزستان ساخت وسایل فلزی در شهرهای دزفول، اهواز، مسجد سلیمان، بهبهان، رواج دارد که تولیدات مختلفی از قبیل داس، تیشه، قیچی، قند شکن و ... از محصولات آنان است .

آهنگران خوزستان ابتدا فلز را به اندازه و شکل دلخواه بریده و در کوره قرار می دهند پس از گداخته شدن و انعطاف پذیری با چکش زدن به شکل مورد نظر در می آورند. در آخر با استفاده از سوهان آن را صیقل می دهند .

ورشوسازی :

در خوزستان این صنعت در زمانی نه چندان دور فعالیت چشمگیری داشت. عمده فعالیت های

مربوط به ورشو کاری توسط مردان و در شهر دزفول انجام می گرفت. هم اکنون نیز در شهر دزفول تعدادی صنعتگر به این حرفه مشغول هستند که کار عمده آنها تولید قلیان است. قلیان های ورشوی کار دزفول بسیار زیبا و نفیس است.

میناکاری و قلمزنی :

از جمله فعالیت هایی که از گذشته های دور در خوزستان رواج داشته مینا کاری بر روی طلا و نقره و قلمزنی بر روی مس و برنج است که در شهرهای آبادان، خرمشهر و اهواز انجام می شود که در سالهای اخیر بیشتر فعالین این حرفه در اهواز به کار خود ادامه می دهند. تولیدات مینایی توسط " صبی ها " - که پیروان حضرت یحیی می باشند - بر روی طلا و نقره و دیگر فلزات و بیشتر بصورت زینتی و زنا نه عرضه می شود. این تولیدات که نقوش معمول و متداول آنها عبارت از : شتر و ساربان، نخل، پل معلق (پل رودخانه کارون) و گنبد و قایق، بر روی گردن بند، دستبند، گوشواره، انگشتر، النگو، و همچنین قندان، سینی، گیره استکان و ... کاربرد دارند.

قلمزنی :

قلمزنی بر روی فلزات نیز توسط صبی ها انجام می شود. روش قلمزنی بر فلزات به این صورت است که ابتدا نقش مورد نظر را بر روی ظرف طراحی نموده و سپس درون ظرف را از محلول قیر مذاب آمیخته با خاکستر یا خاک اره پر کرده و بعد با استفاده از قلم و چکش به نقوش حالتی فرورفته می دهند. سپس قسمت های فرورفته را با خمیر مینا که از اکسید فلزات مختلف تهیه می شود آرایش داده و ظرف مورد نظر را در کوره گذاشته و ۳۵۰ درجه سانتیگراد حرارت می دهند. به این ترتیب لایه لعابی رنگین و شفافی بر روی قسمتهایی از ظرف فلزی قلمزنی شده به وجود می آید.

تولید محصولات پوستی :

استان خوزستان به علت وجود عشایر بختیاری که بخش هایی از این منطقه را قشلاق خود قرار داده اند. و همچنین اسکان بسیاری از آنان در این خطه، از نظر تولید پوست موقعیت خاصی را دارا می باشد. در این استان بدلیل وجود عشایر بختیاری که کار اصلی شان دامداری است، پوست به وفور یافت می شود. با این حال صنایع چرم و پوست چندان رواج نداشته و فقط عده کمی از عشایر آنهم برای رفع نیاز خودشان و برای ساختن لوازم مورد استفاده زندگی مانند مشک و همیان از آن استفاده می کنند. گاهی نیز از پوست برای دهل که از سازهای محلی است استفاده می کنند.

صنایع دستی روستایی :

وفاداری روستاییان به سنت ها از عوامل مهم تولید محصولاتی است که با همت آنان با مواد اولیه موجود تولید می شود این محصولات علاوه بر رفع مایحتاج شخصی تولید کنندگان به بازار عرضه می شود که می تواند ممر در آمدی در کنار کار اصلی آنها محسوب شود . روستاییان استان خوزستان محصولاتی گوناگون که حاصل دسترنج آنها است تولید می کنند که عمده ترین آنها شامل : حصیر ، گلیم ، قالی ، پارچه عبایی و ... است .

بناهای یادبود تاریخی و مذهبی:

1- قلعه آکروپل شوش

قلعه آکروپل (شوش)

آکروپل واژه یونانی است که به بلندترین منطقه شهر گفته می شود. قلعه آکروپل یا قلعه شوش به دست هیأت باستانشناسی فرانسوی در سال هزار و هشتصد و نود و هفت میلادی بر روی بلندترین نقطه شهر شوش بنا شده است. این قلعه شباهت بسیار زیادی

به زندان باستیل فرانسه دارد. این قلعه با استفاده از آجرهای به دست آمده از کاخ داریوش و تعدادی از آجرهای منقوش به خط میخی چغازنبیل، به دست معماران دزفولی بنا شده است. این قلعه تا پیش از انقلاب اسلامی در اختیار فرانسویان بود و پس از آن به عنوان پایگاه باستانشناسی شوش مورد استفاده قرار گرفت. مجسمه معروف ملکه نامیراستون، لوح قانون نامه حمورابی و لیوان مشهور سفالی شوش به رنگ نخودی و نقش بزکوهی، از مهم ترین آثار بدست آمده از تپه آکروپل است. قلعه آکروپل که بنای آن پانزده سال به درازا کشید و دژ دفاعی باستان شناسان فرانسوی در برابر هجوم ها و یورش های قبایل و عشایر منطقه بوده است، در طول جنگ تحمیلی، ده ها بار مورد اصابت گلوله های توپ دشمن قرار گرفت ولی پس از پایان جنگ تحمیلی ستاد بازسازی استان خوزستان آن را مرمت کرد.

2- معبد چغازنبیل (زیگورات) ، شوش

در ۴۵ کیلومتری جنوب شرقی شهر شوش یکی از اعجب انگیزترین آثار باستانی جهان متعلق به ۳۲۰۰ سال پیش مشهور به زیگورات چغازنبیل وجود دارد . چغازنبیل به ساختمان طبقاتی معبد ایلامیان که توسط اونتاش گال پادشاه این قوم در سال ۱۲۵۰ قبل از میلاد ساخته شد اطلاق می شود . این بنا با ابعاد ۱۰۵*۱۰۵ متر و ارتفاع ۵۳ متر (در گذشته ۵۲ متر ارتفاع داشته است و اکنون ۲۵ متر از آن باقی است) از بزرگترین زیگوراتهای جهان محسوب می شود .

عملیات باستان شناسی در این بنا از حدود سال ۱۳۲۵ خورشیدی آغاز گردید و تا سال ۱۳۴۱ ادامه داشت . چغازنبیل به بنای زیگورات محدود نمی شود بلکه مشتمل به حصاری است که با وسعت ۸۰۰*۱۲۰۰ متر حول یک مجموعه گرد آمده است . محوطه مقدس چغازنبیل از طریق هفت دروازه با محیط اطراف ارتباط دارد . در درون این مجموعه سه معبد با حیاطهای سنگ فرش و انبارهای متعدد آلات و ادوات جنگی قرار دارد .

3- آرامگاه دانیال نبی ، شوش

دانیال نبی علیه السلام

دانیال یکی از پیامبران بنی اسرائیل (قرن هفتم قبل از میلاد) است. دانیال به زبان های عبری مفهوم (خدا حاکم من است) را دارد. در سال 655 قبل از میلاد وی را به دربار «نبوکد نصر» پادشاه بابل به اسارت بردند. وی در آنجا به علوم کلدانیان و زبان مقدس واقف گردید و در حکمت از آنان پیشی گرفت. اولین واقعه ای که سبب نفوذ دانیال نبی گردید تعبیر خواب نبوکد نصر بود. بدین گونه پیغمبری خود را آشکار نمود و مورد توجه آن پادشاه قرار گرفت. وی به همراه عده ای از قوم یهود به ایران مهاجرت نمود و در شوش ساکن شد و در آنجا وفات یافت.

آرامگاه دانیال نبی در ساحل شرقی رودخانه شاوور و روبروی تپه ارگ قرار دارد. بنای زیارتگاه شامل دو حیاط است. بر روی گنبد مخروطی - پله ای قرار دارد که نوع رایج گنبد های منطقه است



4- کاخ شاوور یاشانور (اردشیر) ، شوش

در سمت غربی رودخانه شاوور در سال ۱۳۴۷ خورشیدی کاخ جدیدی کشف شد که به سبب همجواری با این رودخانه به همین نام مشهور است. این کاخ دارای تالاری به اندازه ۳۴/۶ * ۳۷/۵ متر با ۶۴ ستون است. پایه ستونها از سنگ بوده و دیوارها از حشت ساخته شده

اند .

این کاخ در ۳۵۰ متری غرب آپادانا واقع است و توسط اردشیر دوم بنا گردید



بقایای کاخ آپادانا



خانه ای در آبادان



آسیاب های آبی دزفول



بازار امام در اهواز



غروب کارون



قلعه شوش



شوشتر



میوه محلی بنام کنار



از سرستونهای آپادانا



یادگاری بر روی سنگهای آپادانا!

www.kandoo.cn

<http://daneshnameh.roshd.ir/mavara/mavara-index.php=0>

<http://fa.wikipedia.org/wiki>

از سرستونهای آپادانا

www.kandoo.cn

www.kandoo.cn

www.kandoo.cn

www.kandoo.cn

www.kandoo.cn

www.kandoo.cn

www.kandoo.cn

www.kandoo.cn

www.kandoo.cn

www.kandoo.cn

www.kandoo.cn

www.kandoo.cn